



نقش اقتصاد و سیاست خارجی مطلوب در حکمرانی تمدن ساز: بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

محسن مشتاقی^۱

دانشجوی دکتری مهندسی شیمی و مدرس گروه صنایع شیمیایی، دانشگاه فنی و حرفه ای استان بوشهر

چکیده

برای انجام حکمرانی مطلوب در حوزه اقتصاد و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی، ابتدا باید مفاهیم اقتصادی و سیاسی را در نگاه رهبر انقلاب برشمرد، که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی یکی از بهترین منابع در این زمینه می باشد. اگر چه این بیانیه صرفاً پیرامون مسائل اقتصادی و سیاسی ارائه نگردیده است اما مقام معظم رهبری توجه ویژه به حوزه تولید، اقتصاد و سیاست خارجی در این بیانیه دارد. این پژوهش دو محور مهم در حکمرانی یعنی ۱- حکمرانی با تاکید بر مقاومت و استقلال. ۲- حکمرانی با تاکید بر خودباوری در تولیدات علمی و صنعتی و قدرت درون زا به جای اتکای خارجی را به عنوان دو موضوع در بیانیه گام دوم برای سیاست خارجی و اقتصاد قلمداد کرده است. پژوهش حاضر «تحلیل گفتمان انتقادی» را به عنوان چارچوب تحلیلی برگزیده است و با روش تحلیل محتوا با رویکردی کتابخانه ای و اسنادی به بررسی موضوع پرداخته است و در صدد است حکمرانی اقتصاد و سیاست خارجی مطلوب را از بیانیه گام دوم احصا نماید. براساس این پژوهش، با به کارگیری دو محور مهم و اساسی فوق برای حکمرانی در حوزه اقتصاد و سیاست خارجی، می توان از مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی و دولت اسلامی به مرحله ساخت کشور اسلامی و نهایتاً تمدن نوین اسلامی رسید.

کلیدواژگان: اقتصاد، سیاست خارجی، حکمرانی مطلوب، گفتمان مقاومت، خودباوری، امام خامنه ای.

انقلاب اسلامی ایران به اذعان بسیاری از صاحبان اندیشه، در شکل و ماهیت یکی از مهمترین تحولات قرن بیستم بوده است که علاوه بر الهام بخشیدن و تقویت تلاش های انقلابی در سراسر جهان (اسپوزیتو و پیسکاتوری، ۱۳۸۲: ۱۹) موجب تغییر در چهره نظم منطقه ای گردید، همچنین توانست قالب بندی های سیاسی-امنیتی بین المللی را با چالش جدی مواجه سازد و صورتبندی های نظری جدید را به آن اضافه کند.

همزمان با موج پیش رونده انقلاب اسلامی ایران که در ماه های بعد از پیروزی انقلاب در قالب «جمهوری اسلامی ایران» متجلی شد و توانست «نهضت و انقلاب اسلامی ایران» را به «نظام اسلامی» و «دولت اسلامی» مبدل سازد، رهبران انقلاب اسلامی نیز به فراخور زمان به احیا و تولید مفاهیم انقلابی-اسلامی مبادرت ورزیدند تا سه مفهوم انقلاب، نظام و دولت انقلابی را به مرحله بعد یعنی «کشور اسلامی» و نهایتاً «تمدن اسلامی» مبدل و متصل نمایند. (بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان کرمانشاه: ۱۳۹۰)

رهبر معظم انقلاب پیرامون لزوم تقویت پایه های اقتصادی برای کسب استقلال سیاسی می فرمایند: «امروز مسأله ی اصلی کشور ما استقلال است برادران و خواهران عزیز! انقلاب برای ما استقلال سیاسی را به بار آورد، این جرأت را به این ملت داد که در مقابل نظام غیرعادلانه ی سلطه در دنیا بایستد. اما اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض اندام فرهنگی را در مقابل سلطه گران عالم حفظ کند، باید پایه های اقتصادی خود را محکم کند؛ این، ریشه دواندن استقلال در کشور است؛ و این وابسته است به تولید، به کار، به شکوفایی کار، به نوآوری در بخش های مختلف کار، از مرکز تحقیقات و آزمایشگاه گرفته، تا توی محیط کارگاه ها، تا توی مزرعه، در همه جا بایستی این نوع آوری وجود داشته باشد. آن وقت است که دشمنان خونخوار و هتاک استقلال ملت ایران با ناکامی دهان های خودشان را خواهند بست و کناری خواهند نشست». (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار گروه کثیری از کارگران و کارآفرینان، ۱۳۷۸/۰۲/۰۴)

رهبر معظم انقلاب در خصوص اقتصاد اسلامی می فرماید: «ما وقتی به صورت کلان به زمینه ی اقتصاد اسلامی نگاه می کنیم، دوتا پایه ی اصلی مشاهده می کنیم. هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه ی اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه ای هرچه هم مستند به منابع علی الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دو پایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین المللی پیش ببرد. پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه ی اسلامی» است. این دوتا باید تأمین بشود. و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم. بنابراین هر دوتا لازم است». (بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰)

به نظر می رسد صدور بیانیه گام دوم در چهل سالگی انقلاب اسلامی خیزشی برای حرکت از مرحله کشور سازی اسلامی به تمدن سازی اسلامی است، بیانیه گام دوم ماهیتی بسیط دارد مخاطب آن از حوزه فردی (سبک زندگی) تا جهانی (تمدن اسلامی) را در بر می گیرد و در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فلسفی، تاریخی و بین المللی به نگارش در آمده است لذا قابلیت به کار گیری از سوی هر شخص، ارگان و نهادی را دارد.

تازگی بیانیه گام دوم و گذشت حدود سه سال از انتشار آن موجب شده است ابعاد مختلف آن (در حوزه علوم انسانی) کماکان نیازمند بررسی از سوی صاحب نظران و اندیشمندان این حوزه باشد. محسن پاک آئین در سلسله یادداشت هایی با عنوان «بیانیه گام دوم و سیاست خارجی» به بررسی مفاهیم استقلال، مرزبندی با دشمن، استکبار ستیزی، منع شروع جنگ، اقتدار در غرب آسیا، مقاوم سازی اقتصادی و حمایت از مظلومان (پاک آئین، ۱۳۹۸) در این بیانیه پرداخته است. امید خضری در مقاله ای با عنوان «مؤلفه های سیاست خارجی انقلابی از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی» با بررسی اولویت ها، اصول و مؤلفه های سیاست خارجی از نگاه رهبر انقلاب به ارائه راهکارهای جهت تحقق سیاست خارجی انقلابی بر اساس خوانش متن بیانیه گام دوم پرداخته است (خضری، ۱۳۹۸). عباسعلی رستگار در مقاله ای با عنوان «تأملی بر بیانیه گام دوم انقلاب در تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی» با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب به بررسی تحقق سیاستهای کلی اقتصاد

مقاومتی پرداخته است. و به این مطالب اشاره دارد که، الگوهای فکری اقتصادی در ایران به منظور تعیین میزان نزدیکی آنها با راهبرد اقتصاد مقاومتی در این زمینه فعالیت میکنند. در این راستا؛ مسئله اقتصاد مقاومتی تدبیری هوشمندانه است که از سوی مقام معظم رهبری در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن مطرح گردید و مفهومی است برای مقاومسازی، بحرانزدایی و ترمیم ساختارها و نهادها ی فرسوده و ناکارآمد موجود در اقتصاد. (رستگار، عباسعلی؛ هوشمند باقری قره بلاغ، ۱۳۹۹)

تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان چارچوب علمی پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است. دو محور ذیل یعنی: ۱- حکمرانی با تاکید بر مقاومت و استقلال. ۲- حکمرانی با تاکید بر خودباوری در تولیدات علمی و صنعتی و قدرت درون زا به جای اتکای خارجی اگر چه در ابتدای امر نمی تواند به عنوان هدف اقتصاد و سیاست خارجی در حکمرانی مطلوب در نظر گرفته شوند اما همانگونه که در سطور قبل ذکر شد می تواند به عنوان نقش اساسی در اقتصاد و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حکمرانی تمدن ساز مورد توجه قرار گیرند.

۲- چارچوب نظری؛ تحلیل گفتمان انتقادی

این پژوهش تبیین دو محور مهم در حکمرانی را در قالب مفاهیم گفتمانی «مقاومت» و «خوداتکائی» مورد بررسی قرار داده است، لذا تجزیه و تحلیل آن را تنها در یک چارچوب نظری امکان پذیر می داند که به نقش ساختارهای انگاره ای و نظام معنایی در اقتصاد و سیاست خارجی تاکید دارد. رویکرد گفتمانی به بهترین وجه انگاره های بین اذهانی را در خود منعکس نموده است. این رویکرد برخاسته از زبان شناسی انتقادی می باشد که برای گفتمان، ماهیتی تاسیسی و تکوینی قائل است. گفتمان به صورت یک مفهوم کلان تعریف می گردد که فرایندهای اجتماعی را شکل میدهد؛ در نتیجه نقش اساسی و بنیادی در ایجاد و تاسیس هویت ها و باورهای اجتماعی دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۶۴). از آنجا که ۲ محور یاد شده در مقابل جریان مسلط نظری در حوزه اقتصاد و سیاست خارجی قلمداد می گردند و رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی نیز داعیه دار شکستن کلیشه های مسلط است این رهیافت به بهترین شکل ممکن می تواند به عنوان چهارچوب تحلیلی مناسب برای مقاله حاضر تعیین گردد.

«ارنستو لاکلاو و شانتال موفه ۱» که از آنان با عنوان زوج گفتمان ساز یاد می شود، گفتمان را مجموعه ای از علائم و نشانه های زبان شناختی و فرازبان شناختی می دانند که فراتر از بررسی گفتارها و نوشته ها هستند. آن دو بر این باورند انسان ها تنها از طریق گفتمان به فهم جهان می پردازد، به عبارتی اندیشه، کردار، شناخت جهان و رفتار انسان به وجود گفتمان بستگی دارد، از نگاه لاکلاو و موفه آنچه در جهان هستی وجود دارد دارای ماهیتی گفتمانی است. نه تنها اشیاء و حوادث بلکه اندیشه و رفتار انسان ها نیز در تعامل با یکدیگر در یک نظام معنایی بزرگ به نام گفتمان قابل شناخت است (Laclau.E and Mouffe.C,1985) لذا پژوهش حاضر نیز محورهای دوگانه مورد نظر خود را در قالب گفتمانی که قابلیت شناخت جهان و تعامل با آن را دارد ارائه می نماید و معتقد است با درک آن می توان به بنیان های نظری برای حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران دست یافت.

گفتمان ها در زمان شکل گیری دارای چهار عنصر کلیدی هستند که بر اساس آن قواعد در درون گفتمان شکل می گیرد، این چهار عنصر عبارتند از؛ ابژه، سوژه، مفاهیم و استراتژی. ابژه موضوعی است که در مورد آن سخن می گوئیم، سوژه کسی است که در مورد ابژه سخن می گوید، بدیهی است هر کسی می تواند در مورد ابژه سخن بگوید اما آن قرائتی اعتبار و مشروعیت دارد که از سوی سوژه بیان شده باشد. قرائت خاص سوژه از ابژه مفهوم نام دارد. مستکبر، اشغالگر و ظالم «مفاهیمی» هستند که در گفتمان مقاومت اسلامی از سوی سوژه (جمهوری اسلامی، حزب الله، حماس و سایر گروه های مقاومت) برای معرفی ابژه (رژیم صهیونیستی) استفاده می شود. همه سوژه ها، ابژه ها و مفاهیم ذیل دیدگاه کلانی قرار دارند که فوکو آن را استراتژی می نامد. یک تحلیل گر گفتمان در تحلیل خود می تواند تمرکز خود را بر یکی از این عناصر چهارگانه معطوف دارد و سایر عناصر را به صورت گذرا بررسی نماید (حاجلی، ۱۳۹۵: ۷۰). همچنین در نگاه فوکو، ایپستمه یا صورتبندی گفتمان عبارت از کل روابطی است که در یک عصر خاص، وحدت بخش رویه های گفتمانی است. به عنوان مثال شکل گیری انقلاب اسلامی ایران ایپستمه ای برای گفتمان مقاومت است که تا پیش از آن، مقاومت دارای صورتبندی منسجم، هدفمند، پویا و شبکه ای نبوده است.

اگر چه تحلیل گفتمان انتقادی شعبه ای از رهیافت تحلیل گفتمان محسوب می شود لیکن آنچه این دو را از همدیگر متمایز می سازد مساله مقاومت است. تحلیل گفتمان انتقادی زبان را به عنوان عملی اجتماعی در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه در گفتار و نوشتار مورد مطالعه قرار میدهد. این رویکرد معتقد است عواملی همچون بافت تاریخی، روابط قدرت و سلطه، نهادهای اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژی به وجود آورنده متن یا صورت زبانی و معانی جدید هستند. در این رویکرد، زبان آن آینه شفافی نیست که حقایق را آنگونه که هست بنمایاند بلکه بلکه شیشه ماتمی است که می تواند حقایق را تحریف و تغییر دهد. چگونگی این تحریف و تغییر در اراده قدرتهای پنهان و آشکار حاضر در نهادهای اجتماعی است. در این فرایند این گونه نهادهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی گفتمان ها را می سازند و سپس گفتمان های مورد نظر با ایدئولوژی و اهداف خاص در گذر زمان از طریق نهادهای اجتماعی آن چنان در جامعه جا باز می کنند و به صورت طبیعی جلوه گر می شوند که مردم و کشورها آن را بدون هیچ مقاومتی می پذیرند (آقاگل زاده، ۱۳۹۰: یازده) جمهوری اسلامی با ارائه و ابداع گفتمانی نو از مفاهیم اقتصادی و سیاست خارجی از جمله عدالت، مبارزه، مقاومت، منافع، قدرت و اقتصاد مقاومتی به شکستن شالوده های فکری مسلط در نظریات و عمل اقتصادی و سیاسی پرداخته است.

رهیافت تحلیل گفتمان انتقادی تجزیه و تحلیل خود را به ساختارهای خاص متن یا گفتار محدود نمی کند، بلکه بطور سیستماتیک آن را با ساختارهای اجتماعی-سیاسی مرتبط می نماید، مقاومت درمقابل نابرابری های اجتماعی، فساد سیاسی و سلطه بین المللی در کانون توجه رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی است (Fairclough, 2006). «تئون ون دایک ۱» زبان شناس گفتمانی-انتقادی، تحلیل گفتمان انتقادی را تلفیق تئوری های زبانی و شناختی با رویکردهای اجتماعی می داند، او استدلال می کند که پدیده های اجتماعی از طریق شناخت به گفتمان تبدیل می شوند و برعکس (van Dijk, 2008).

۳- بیانیه گام دوم و محورهای حکمرانی در اقتصاد و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۳-۱- بیانیه گام دوم

«بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران» را می توان یکی از مهمترین اسناد تاریخ انقلاب اسلامی در تحلیل وضع موجود و آینده پژوهی انقلاب اسلامی به شمار آورد. برخی از اندیشمندان برآنند که بیانیه گام دوم به یک معنا فراتر از «تَنْبِيْهُ الْأُمَّة» مرحوم نائینی و رساله «حرمت مشروطه» شیخ فضل الله است؛ چراکه آن ها در مقیاس راهبری حوادث ملی هستند؛ اما «بیانیه گام دوم» در مقیاس راهبری انقلاب اسلامی به عنوان یک حقیقت تأثیرگذار بر جامعه جهانی است (میرباقری، ۹۸). این بیانیه که در بهمن ماه سال ۱۳۹۷ یعنی در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی منتشر گردید، هم به جنبه ایجابی و هم به جنبه سلبی دارد و مقام معظم رهبری آنرا در قالبی منطقی، تحلیلی، تاریخی و جامعه شناسی صادر کرده اند (خرمشاد، ۱۳۹۸). در بعد ایجابی، چهل سال مقاومت و تبدیل دنیای دو قطبی به سه قطبی توسط انقلاب و لزوم ترسیم آینده مسیر جمهوری اسلامی و در بعد سلبی تلاش های غرب برای انسداد و تحریف مسیر حرکت جمهوری اسلامی به ضرورت نگارش این بیانیه افزوده است. می توان گفت مهم ترین مضمون بیانیه گام دوم آن است که انقلاب اسلامی از مجموعه گام هایی که برای تحقق تمدن اسلامی و زمینه سازی برای ظهور حضرت ولی عصر (عج) لازم است، یک گام برداشته و اکنون در آستانه گام دوم قرار دارد. (محمدی، ۱۳۹۷).

بیانیه گام دوم، بیانیه ای مطوّل نیست چه آنکه با وجود گسترش مفهومی آن که تقریباً تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، صنعتی، نظامی-دفاعی و اقتصادی را در بر گرفته در ۱۰ صفحه به صورتی ساختارمند به نگارش در آمده است. اگر چه بیانیه خطاب به همه دستگاه های سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، اجتماعی و اجرائی نگاشته شده اما مخاطب اصلی آن، همانگونه که در عنوان بیانیه ذکر شده «ملت ایران» است لذا تلاش شده از پیچیدگی های فلسفی و استعارات ادبی-کلامی به نفع فهم عمومی آن کاسته شود. بیانیه با ذکر ده نکته مقدماتی آغاز می شود که مخاطب ذهن مخاطب را برای خوانش بهتر آن آماده نماید، در ادامه ۷ مورد از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی مطرح می شود و پس از آن به بخش اصلی بیانیه که توصیه های ۷ گانه است میرسد؛ این توصیه ها عبارتند از: ۱- علمی ۲- معنوی-اخلاقی ۳- اقتصادی ۴- عدالت ورزی و مبارزه با فساد ۵- استقلال و آزادی ۶- سیاست خارجی ۷- سبک زندگی به صورت مختصر ذکر گردیده است (بیانیه گام دوم: ۳-۱۲).

دو محوری که در ادامه ذکر می گردد با اصول «مقاومت و استقلال و خودباوری در اقتصاد»، به عنوان دو رکن اساسی برای حکمرانی در

¹ - Teun A. van Dijk

۳-۱-۱- تمرکز بر مقاومت و استقلال

دو مفهوم مقاومت و استقلال به عنوان پایه های اساسی کلان گفتمان حکمرانی در انقلاب اسلامی در عرصه سیاست خارجی محسوب می شوند که سایر مفاهیم مانند عزت، عدالتخواهی، ظلم ستیزی، حمایت از مظلومان، اقتدار و مفاهیمی از این قبیل از آنها نشأت می گیرد. مقاومت و استقلال لازم و ملزوم یکدیگر هستند و قرار دادن یکی ذیل دیگری امکانپذیر نیست چه آنکه مقاومت مسیری برای رسیدن به استقلال است و کشور مستقل در مقابل نظم غیر عادلانه و سلطه گرانه مقاومت می کند.

استقلال مفهومی چند وجهی است که نمی توان دلالت معنایی آن را صرفاً به حوزه سیاسی معطوف کرد، استقلال یک ارزش انسانی است که در تقابل با سرشت مذموم سلطه طلبی بشر رشد می کند. این مفهوم در فرهنگ سیاسی به معنای جدا بودن حاکمیت یک کشور از هر نوع سلطه خارجی و آزادی اراده ملی برای اداره امور داخلی و خارجی است. در منظومه فکری حضرت آیت الله خامنه ای، استقلال به معنای تسلط مردمی یک کشور به سرنوشت خود است، استقلال در نگاه ایشان موجد مختصات سلبی و ایجابی است، این نفی عبارت است از: نفی استثمار، نفی سلطه پذیری، نفی تحقیر ملت توسط قدرتهای سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرتهای مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریزم و نفی اباحه گری و بخش اثبات آن عبارتند از: اثبات هویت ملی، هویت ایرانی، اثبات ارزشهای اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قله های دانش (نبوی و اسکندری، ۱۳۹۶: ۱۰۵۰) به همین ترتیب مؤلفه های گفتمان مقاومت را نیز می توان در دو دسته طبقه بندی کرد؛ یک بخش نفی است و بخش دیگر اثبات. در مرکز بُعد سلبی گفتمان مقاومت، سلطه ستیزی قرار دارد. یعنی مهم ترین عنصر سلبی گفتمان مقاومت، نفی سلطه و سلطه ستیزی است و دوم، نفی استکبار و استبدادستیزی است. مهم ترین وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت که در مرکز این گفتمان قرار دارد، عبارت است از عدالتخواهی و حق طلبی، اسلام خواهی، صلح طلبی، عزت طلبی و اقتدار، استقلال طلبی، آزادی خواهی، معنویت گرایی، حکمت و عقلانیت گرایی، مصلحت گرایی و آرمان گرایی و واقع بینی. (دهقانی، ۱۳۹۱).

استقلال و آزادی در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب به عنوان «عطیه الهی» شناخته شده و دو روی یک سکه تلقی می گردد، جوامع بدون آزادی استقلال نخواهند داشت و کشورهای بدون استقلال آزاد نخواهند بود، قرار دادن دو واژه استقلال و آزادی به عنوان توصیه پنجم رهبری انقلاب در بیانیه گام دوم به مفهوم قرابت این دو مفهوم در رویکرد فکری معظم له است. ایشان این امتزاج را چنین تبیین نموده اند: این شعار معروف استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، تقریباً نوعی حرکت از خاص به عام است، اول میگوییم استقلال بعد می گوئیم آزادی، استقلال بخشی از آزادی است یعنی اگر چنانچه آزادی فردی را ملاحظه کنیم، این یک روی سکه است. اما آزادی از سلطه ی قدرتها و ابرقدرتها روی دیگر سکه است. پس بنابراین استقلال جزو آزادی است و کسانی که آزادی میخواهند اگر چنانچه استقلال را نفی کنند با آزادی مخالف هستند (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴).

از دیگر مفاهیم مهم به کار رفته در بیانیه گام دوم که میتوان از آن به عنوان یکی از ارکان حکمرانی در سیاست خارجی استفاده کرد مفهوم «مقاومت» است. نظریه مقاومت به عنوان یک نظریه رهایی بخش در قالب پارادایم برخورد با سلطه، مبتنی بر قدرت قرائت انقلاب اسلامی ایران از متن اسلام و با هدف سلطه زدائی از منسلبات قدرت و سیاست بین الملل تئوری پردازی شده است (قادری کنگاوری، ۱۳۹۴: ۱۶۲). مقاومت مفهومی انتزاعی و خارج از محاسبات حکیمانه نیست، رهبری انقلاب با رویکردی هزینه-فایده محور، پیگیری این سیاست را به «نفع» کشور بر می شمارند، ایشان نادیده گرفتن منافع مادی، معنوی، اقتصادی و فرهنگی ملت توسط دستگاه سلطه را از ثمرات دست کشیدن از رویکرد مقاومت محور قلمداد می کنند (بیانات در دیدار با مردم اراک: ۱۳۷۹). رهبر معظم انقلاب هزینه تسلیم شدن را به مراتب بیشتر از مقاومت برشمرده اند و معتقدند اگر مقاومت همراه با خردورزی، منطق و اعتماد به نفس همراه باشد هزینه ای به مراتب کمتر از هزینه سازش خواهد داشت (صالح میرزائی، ۱۳۹۸: ۵۰-۵۱).

نکته مهم آن است که اگر چه در سال های اخیر به دلایل متعدد سیاسی و بین المللی واژه مقاومت و اقتصاد از پیوندی منطقی برخوردار گردیده اند و در بیانیه گام دوم نیز از اقتصاد به عنوان یکی از ابزارهای استقلال و مقاومت یاد شده (بیانیه گام دوم: ۱۰) اما نباید مفهوم مقاومت را منحصر به اقتصاد دانست. مقاومت سیاسی، مقاومت فرهنگی و مقاومت نظامی از دیگر عرصه های مهم مقاومت هستند که رهبر انقلاب به کرات در سال های رهبری خود بر آنها تاکید داشته اند (صالح میرزائی، ۱۳۹۸: ۱۰۱-۱۱۶).

۳-۱-۲- خودباوری، اقتصاد درونزا و قدرت خود بنیان

مساله خوداتکائی و باور به توان داخلی دارای دو بعد مادی و معنوی است که هر دو آن در بیانیه گام دوم مورد تاکید قرار گرفته است، در بعد مادی؛ غنای سرزمینی، جغرافیائی و جمعیتی و برخورداری از مواهب طبیعی و در بعد معنوی عزم ملی، استعداد انسانی و حرکت جهادی به صورت موکد مورد توجه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است. رهبری معظم انقلاب تحقیر شدگی، عقب ماندگی و فقدان اراده ملی را از انتقادات مهمی می داند که به سلسله های قاجار و پهلوی وارد بود و انقلاب اسلامی به آن پایان داد (بیانیه گام دوم: ۴) اگر چه در برخی مقاطع خوداتکایی و استقلال را به خوبی و بر اساس قدرت درونی در سیاست خارجی پیگیری و اجرا نشد و تصور گردید که شاید از طریق قدرت های بیرونی این مورد قابل پردازش است با این وجود رهبران انقلاب از همان ابتدا بر «استقلال درونزا» تأکید داشته اند (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۷).

با عنایت به اهمیت مساله جهاد در شکوفائی استعدادهای داخلی و خوداتکائی است که معظم له در بیانیه گام دوم مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل ما می توانیم را عامل عزت و پیشرفت کشور در همه عرصه ها دانسته اند (بیانیه گام دوم: ۴). رهبر معظم انقلاب امید به آینده و جلوگیری از مایوس سازی ملت توسط دشمن را نخستین و ریشه ای ترین جهاد قلمداد کرده اند (بیانیه گام دوم: ۹) از نگاه مقام معظم رهبری راه سعادت کشور و برون رفت از مشکلات، شناخت توانایی ها و خودباوری به توان داخلی ملت ایران است و با عواملی مانند فضا و سرزمین، وسعت خاک و منابع طبیعی، جمعیت، نهادهای سیاسی و فرهنگی، روحیه ملی، کیفیت دیپلماسی، ظرفیت و استعدادهای علمی و توانمندی های نظامی حاصل می گردد (قاسمی، ۱۳۹۳: ۷).

تکیه بر توان داخلی به منظور افزایش قدرت و اقتدار ملی از مواردی است که میتواند اقتصاد را تحت الاشعاع قرار دهد، تاثیر منابع مادی و معنوی داخلی در طراحی و حل مسائل اقتصادی و سیاسی از چنان اهمیتی برخوردار هستند که رهیافت های بین المللی که قائل به چنین رابطه ای نبوده اند مجبور به اصلاح دیدگاه سنتی خود شده اند، رویکرد جدید رئالیسم نوکلاسیک به منظور اصلاح همین مفهوم از دل رئالیسم ظهور یافته است (Lobell, 2009). تکیه بر توان داخلی و استعدادهای بومی از مولفه های موثر در ارتقاء اقتدار ملی ارزیابی می گردد؛ به طوری که شدت و ضعف قدرت و اقتدار ملی در رابطه مستقیم با توان داخلی و استعدادهای بومی است. رهبر فرزانه انقلاب در این باره می فرماید: «ملت ایران باید خود را قوی کند؛ اگر ملتی قوی نباشد و ضعیف باشد، به او زور می گویند؛ اگر ملتی قوی نباشد، باج گیران عالم از او باج می گیرند، از او باج می خواهند؛ اگر بتوانند به او اهانت می کنند». (بیانات در حرم رضوی: ۱۳۹۳). به همین جهت در بیانیه گام دوم لزوم توجه به اتکا به داخل برای بازسازی اقتصاد کشور مورد توجه قرار گرفته است (بیانیه گام دوم: ۱۰).

از جلوه های مهم اتکا به ظرفیت های داخلی، اقتصاد مقاومتی است. تاثیر اقتصاد در طراحی سیاست خارجی بر هیچکس پوشیده نیست (Rosenberger, 2019). این مفهوم ۳۰ بار در بیانیه گام دوم تکرار گردیده است. استفاده از این مفهوم با پسوند «مقاومتی» نشانگر استقلال محور بودن اقتصاد در منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی است. مفهوم اقتصاد مقاومتی که در دو دهه اخیر در کلام رهبری کاربرد زیادی داشته و در بیانیه گام دوم نیز مورد تاکید قرار گرفته است از دو بعد مادی و معنوی تشکیل گردیده است. اقتصاد بعد مادی این مفهوم را شامل می گردد که بدون آن، مسیر مقاومت به شدت سخت و شکننده خواهد بود و به تعبیر رهبری «وسیله ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید» (بیانیه گام دوم: ۱۰) و مقاومت بعد معنوی این مفهوم را شامل می گردد که بدون آن، اقتصاد و منابع کشور از تسلط و اختیار مردم خارج شده و در دست جریان سلطه قرار خواهد گرفت. رهبر معظم انقلاب به همان میزان که اقتصاد قوی را «نقطه ی قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذناپذیری کشور» دانسته اند اقتصاد ضعیف را «نقطه ی ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان قلمداد» (بیانیه گام دوم: ۱۰) تلقی نموده اند.

نتیجه:

امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) تاکید ویژه‌ای در خلق ادبیات جدید انقلابی-اسلامی داشته‌اند و در طول دوران رهبری خود با استفاده از تجارب انقلابی، اجرائی و رهبری خود مفاهیم نوئی را در عرصه‌های اقتصادی (اقتصاد مقاومتی)، علمی-انسانی (جنبش نرم افزاری)، اجرائی (مدیریت جهادی)، اجتماعی (سبک زندگی ایرانی-اسلامی) و سیاست خارجی (عزت، حکمت، مصلحت و سیاست تعاملی ضد نظام سلطه) ابداع نموده‌اند، مفاهیمی که به کمک آنها می‌توان از مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی و دولت اسلامی به مرحله ساخت کشور اسلامی و نهایتاً تمدن نوین اسلامی رسید.

نگارش بیانیه «گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران» از سوی رهبر معظم انقلاب در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان نقطه عطفی در عبور از دولت اسلامی به کشور و تمدن اسلامی بر شمرده که به دلیل جامعیت فراوان، قابلیت بهره‌برداری برای هر یک از احاد ملت، اندیشمندان علاقه‌مند به پیشرفت ایران، سازمان‌ها و دستگاه‌های فکری، آموزشی و اجرائی را فراهم آورده است. حکمرانی مطلوب در اقتصاد و سیاست خارجی یکی از مفاهیم بسیار مهم و مورد تاکید در این بیانیه است. پژوهش حاضر با مبنی قرار دادن این بیانیه و تحلیل آن و همچنین استفاده از سایر بیانات معظم له به احصای ۲ محور اصلی در حکمرانی مطلوب که توان تاثیر گذاری بالایی در طراحی اقتصاد و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد از جمله: تاکید بر مقاومت و استقلال، تاکید بر خودباوری و قدرت درون‌زا در حوزه اقتصادی و سیاسی پرداخته است.

منابع

- [۱]. آفاگل زاده، فردوس (۱۳۹۰)، *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۲]. اسپوزیتو، جان‌ال و پیسکاتوری، جیمز پی (۱۳۸۲)، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، تهران: انتشارات باز.
- [۳]. پاک آئین، محسن (۱۳۹۸)، «بیانیه گام دوم و سیاست خارجی»، *خبرگزاری خبرآنلاین*، قابل دسترسی در: khabaronline.ir/news/1343816
- [۴]. حاجلی، علی (۱۳۹۵)، «فوکو، گفتمان و تحلیل گفتمان»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۴۲، بهار ۹۵.
- [۵]. خضری، امید (۱۳۹۸)، «مولفه‌های سیاست خارجی انقلابی از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی» *اندیشکده تبیین*، قابل دسترسی در: tabyincenter.ir/35810
- [۶]. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۸)، «۱۲ پیام از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، *روزنامه فرهیختگان*، شماره ۲۸۲۹، ۱۲ مرداد، قابل دسترسی در: fdn.ir/29898
- [۷]. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، «گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *معرفت سیاسی*، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان.
- [۸]. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۹۱)، «گفتمان مقاومت؛ واقعیت یا رؤیا»، *پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای*، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=20780>
- [۹]. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۹۷)، «آرمانگرایی واقع‌بینانه، گفتمان روابط خارجی انقلاب»، *پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای*، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=41845>
- [۱۰]. صالح میرزائی، سعید (۱۳۹۸)، *اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- [۱۱]. قاسمی، زهیر و قاسمی، علی (۱۳۹۳)، «دغدغه رهبری تکیه بر توان ملی و استعدادهای بومی»، *روزنامه کیهان*، ۲۵ مرداد ۱۳۹۳، شماره ۳۰۸۴۶.
- [۱۲]. قادری کنگاوری، روح الله (۱۳۹۴)، *نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین الملل*، تهران: مخاطب.
- [۱۳]. محمدی، مهدی (۱۳۹۷)، «ویژگی‌های متنی و فرامتنی بیانیه گام دوم انقلاب»، *جوان آنلاین*، قابل دسترسی در: www.Javann.ir/003y07
- [۱۴]. میرباقری، محمد مهدی (۱۳۹۸)، «دولت‌سازی اسلامی» کار نسل جدید است، *پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای*، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=42414>

[۱۵]. نبوی، مرتضی و اسکندری، صالح (۱۳۹۶)، «استقلال اسلامی» در منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه ای، عبدالحسین خسروشاهی و همکاران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک.

[۱۶]. رستگار، عباسعلی و باقری قره بلاغ، هوشمند، (۱۳۹۹)، تأملی بر بیانیه گام دوم انقلاب در تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، کنفرانس ملی مؤلفه های تمدن ساز در بیانیه گام دوم انقلاب، مشهد، <https://civilica.com/doc/1131077>

[۱۷]. بیانیه «گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران»، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲: قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

[18]. Fairclough, Norman(2006), **Language & Globalization**, Abingdon-on-Thames: Routledge.

[19]. Laclau.E and Mouffe.C (1985)**Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics**, London & New York: Verso.

[20]. Lobell, Steven E., Ripsman, Norrin M. & Taliaferro , Jeffrey W.(2009), **Neoclassical Realism, the State, and Foreign Policy**, UK, Cambridge: Cambridge University Press.

[21]. van Dijk, Teun(2008), **Discourse and Context: A Sociocognitive Approach**, Cambridge: Cambridge University Press.

[22]. Rosenberger, Leif (2019), **Economic Statecraft and US Foreign Policy: Reducing the Demand for Violence**, UK, Oxfordshire: Taylor & Francis.